

چکیده

امنیت اجتماعی یکی از مهم‌ترین ابعاد تشکیل دهنده امنیت ملی است و چنانچه به هر میزان این مؤلفه در میانه سایر مؤلفه‌ها نقش بیشتری داشته باشد، امنیت ملی پایدارتر، کم هزینه‌تر و بالنده‌تر است.

مهاجرت‌های گسترده، جنگ‌های داخلی، تعارضات و درگیری‌های قومی، گسترش قاچاق و افزایش بی‌رویه معتادان، گرسنگی سیل عظیمی از جمعیت در کشورهای جهان، شیوع بیماری‌هایی چون ایدز و غیره همه دست به دست هم داده و توجه صاحب‌نظران امنیت ملی را معطوف به بستر اجتماع و گروه‌های اجتماعی کرده است؛ بنابراین، طرح مبسوط یک بحث نظری است. در این مقاله تلاش شده است تا با توجه به نظرات اندیشمندان مقوله و امنیت، تهدیدات امنیت اجتماعی را که تهدید علیه هویت اجتماعی است مشخص کرده و راهکارهای مقابله با آن در جمهوری اسلامی ایران ارائه شود.

کلید واژه‌ها

امنیت (Security)، امنیت اجتماعی (Societal security)، تهدیدات (Threats)، امنیت ملی (National security)، آسیب‌های اجتماعی (Societal vulnerability)، هویت (Identity)

مقدمه

امنیت به عنوان یکی از نیازهای اساسی جامعه بشری، از گذشته تاکنون مورد توجه دولت‌ها و ملت‌های بسیاری بوده است. در برداشت سنتی از این مفهوم، وجود امنیت، مترادف با فقدان تهدید نظامی بوده ولی با گذشت زمان و ورود به دوره مدرن این مفهوم نیز دچار تحولی اساسی شده است. در حال حاضر، امنیت در معنای فقدان

تهدید، دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی شده است و جزئیات خشک مفاهیم سنتی از آن جدا شده است.

هدف اساسی در امنیت همه جانبه ملی، داشتن جامعه‌ای امن است و این جامعه تا حد زیادی از بنیان‌های اجتماعی خود تأثیر می‌گیرد. مؤلفه‌های اجتماعی از یک سو، روابط اجتماعی و کارکردهای اجتماعی را رقم می‌زنند و از سوی دیگر، با توجه به جایگاه دولت در اجتماع، این مؤلفه‌ها می‌توانند جامعه را در رسیدن به اهداف و عملی ساختن برنامه‌ها، کمک کنند و یا محل رسیدن به اهداف امنیتی باشند.

در مجموع می‌توان گفت امنیت اجتماعی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تشکیل دهنده امنیت ملی است و چنانچه به هر میزان این مؤلفه در میان سایرین نقش بیشتری داشته باشند، امنیت ملی پایدارتر، کم هزینه‌تر و بالنده‌تر است.

در این مقاله، نگارنده ضمن تشریح واژه‌های امنیت، امنیت اجتماعی، تهدیدات امنیت، امنیت ملی، محیط ملی، آسیب‌های اجتماعی و هویت، به تبارشناسی امنیت اجتماعی پرداخته و دوره‌های مختلف آن را بیان و شاخص‌های امنیت اجتماعی را بر شمرده است و با تشریح مشکلات امنیت اجتماعی در محیط ملی رویکرد جمهوری اسلامی ایران به امنیت اجتماعی اشاره کرده و نظریات امنیت اجتماعی را با شرایط محیط اجتماعی کشور تطبیق داده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله فصلنامه دانش انتظامی
تعریف واژه‌ها و مفاهیم
مجموعه علمی و پژوهشی
دانشگاه جامع علوم انسانی

۱- مفهوم امنیت

به رسمیت شناختن نیازها از اصول اولیه زندگی انسان محسوب می‌شود. از جمله نیازهای مهم آدمی، وجود امنیت و عدم احساس خطر و ترس است. (ستوده، ۱۳۷۳، ص ۲۷۴).

امنیت در فرهنگ‌های لغت به معنی: «رهایی از خطر یا مخاطرات و لطمات، ایمنی روانی، رهایی از هراس یا تردید، مشوش نبودن یا فقدان عدم اطمینان، نبودن احتمال ناکامی، چیزی که ایمنی می‌دهند و اطمینان می‌بخشد، رهایی از خطر یا مخاطره، ایمنی، رهایی از تردید، تشویش یا هراس، اطمینان، چیزی که برای اطمینان از اجرای تعهد به

ودیعہ گذاشته شده، آمده است.

ریشه لاتین کلمه امنیت (security) واژه (secures) است که در لفظ به معنای «بدون دغدغه» است. (کلمنتس، ۱۳۸۴، ص ۲۸۶)

در تعاریف ارائه شده برای واژه امنیت از سوی صاحب نظران اتفاق نظر وجود ندارد ولی به نظر می‌رسد که در واقع ماهیت امنیت با پذیرش یک تعریف جامع و مانع در تعارض است.

امنیت را می‌توان هم به عنوان هدف و هم به عنوان نتیجه تعریف کرد. اگر آن را یک هدف تعریف کنیم، در حقیقت اشاره به حفظ ارزش‌های اصلی کرده‌ایم و اگر امنیت را به عنوان یک نتیجه، تعریف کنیم نمی‌توانیم ماهیت آن را بشناسیم و یا اهمیت آن را بدانیم، مگر اینکه با خطر از دست دادن آن روبه‌رو شویم. بنابراین، از بعضی لحاظ، امنیت بر مبنای خطرانی تعریف می‌شود که آن را تهدید می‌کند.

آرلوند و لفرز در بحثی مشابه در تعریف امنیت می‌گویند: «امنیت در یک مفهوم عینی، به فقدان تهدیدها نسبت به ارزش‌های اکتسابی، تلقی می‌شود و در یک مفهوم ذهنی براساس فقدان دلهره و نگرانی از به مخاطره افتادن ارزش‌ها و توانمندی لازم در کسب نتایج منصفانه ارزیابی می‌شود» (چگینی‌زاده، ۱۳۷۹: صص ۶۸-۶۷).

با این وجود با مرور زمان و در نتیجه تحولات تاریخی دو گفتمان در بحث امنیت ارائه شد:

الف - گفتمان سلبی

در گفتمان کلاسیک امنیت بر اساس نوعی رویکرد سلبی مبنی بر فقدان تهدید دلالت داشت و تعریف امنیت ابتدا در وجه سلبی مورد توجه بود؛ یعنی در مفهوم نبودن خطر، تهدید و برخورداری نسبی از آرامش و اطمینان خاطر (افتخاری، ۱۳۸۲، صص ۸۶ و ۸۵).

هدف امنیت در وجه سلبی، استقرار نظم و برقراری ثبات است (بوزان، ۱۳۷۸، ص ۵۵).

در این گفتمان امنیت عبارت است: «ظرفیتی که تهدید از طرف یک بازیگر بیرونی،

نسبت به منافع حیاتی و مهم بازیگر اصلی وجود نداشته باشد؛ بنابراین، تهدیدات در گفتمان سلبی دارای ویژگی‌های ذیل می‌باشند:

- مقولاتی هستند که از ناحیه فضای بیرون تولد می‌شوند.

- دارای ماهیت سخت‌افزاری هستند.

از نظر چهره و گونه قابل تهدید نیستند و متناسب با شرایط و امکانات تحول می‌یابند.

- در وضعیت تراکمی قرار دارند؛ یعنی چهره‌های جدید چهره‌های قدیم را از بین نمی‌برد (افتخاری، ۱۳۸۴).

ب - گفتمان ایجابی امنیت

در گفتمان مدرن، فقدان تهدید زمانی معنادار است که یک کشور از توانایی و قدرت مقاومت و پیروزی در جنگ و فراتر از این از قدرت بازدارندگی یا مقابله به مثل برخوردار باشد؛ به عبارت دیگر، گفتمان مدرن، براساس نگرشی ایجابی، بر کسب قدرت و توانایی ملی تأکید دارد و چنین نگرشی نتیجه منطقی تشکیل دولت‌های مدرن براساس مفهوم حاکمیت است که اقتدار در چارچوب مرزهای ملی و استقلال در روابط خارجی را معنادار ساخته‌اند (خلیلی، ۱۳۸۳، ص ۱۹).

امنیت در وجه ایجابی شکل کامل‌تری از حیات اجتماعی را در بر می‌گیرد؛ چرا که در این وجه، دیگر تنها حفظ زندگی مهم نیست بلکه حفظ راه و روش زندگی اهمیت می‌یابد (ماندل، ۱۳۷۹، صص ۷۸-۷۷)

در گفتمان ایجابی امنیت، فراهم کردن شرایط مطلوب و حرکت به سوی ایده‌آل‌های انسانی، مسئله امنیت را شکل می‌بخشد (مک کین لای، ۱۳۸۰، ص ۲۵).

در این گفتمان، امنیت محصول نسبی متعادلی بین دو مؤلفه خواسته‌ها و کارکردهاست. در صورتی که نسبت خواسته‌ها و کارکردها طوری باشد که منجر به رضایت شود، آنجا امنیت خواهد بود.

هدف امنیت در وجه ایجابی، یکپارچگی و همبستگی است (بوزان، ۱۳۷۸، صص ۵۷-۶۰).

ویژگی‌های تهدید در گفتمان ایجابی

تهدید درونی است؛ حتی تهدیدات بیرونی نیز ریشه و خاستگاه درونی دارند. ماهیت تهدیدات، نرم‌افزاری است. برای تولید تهدیدات عمدتاً شکل دادن تصاویر صورت می‌گیرد. تهدید یک فرایند است (افتخاری، ۱۳۸۴).

۲- مفهوم امنیت اجتماعی

مفهوم امنیت، در طول دهه‌ها و سالیان گذشته و متناسب با پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی از حالت بسیار اولیه که جنبه‌های فیزیکی و محسوس داشت خارج شده و ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را نیز در بر گرفته است و عوامل پنهان و غیرفیزیکی امنیت روزبه روز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (سیف‌اللهی، ۱۳۷۹، ص ۸۵). باری بوزان در یک تقسیم‌بندی کلی، امنیت اجتماعات بشری را به پنج مقوله تقسیم‌بندی می‌کند: امنیت نظامی، امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت زیست محیطی و امنیت اجتماعی (بوزان، ۱۳۷۸، ص ۳۶).

اندیشمندان اجتماعی معتقدند بستر اجتماعی با دخل و تصرف در حوزه‌های نه گانه (ایده دولت، جنبش‌های اجتماعی، روندهای جهانی، نگرش به آینده، هویت ملی، تحولات گفتمانی، جامعه مدنی، ادغام ژئوپولیتیک، وابستگی اقتصادی) تصویر و مفهوم امنیت را در هر جامعه متحول می‌سازد؛ بنابراین، تنها راه شناخت بومی امنیت مراجعه به مبادی نه گانه بالا و سپس تعریف امنیت در درون آنهاست که در حکم متن اجتماعی امنیت هستند.

به گفته کارشناسان اجتماعی در جامعه بسامان، آنچه امنیت اجتماعی را تضمین می‌کند، پایبندی افراد به قراردادهای اجتماعی و متقابلاً عمل دولت به تعهداتش نسبت به مردم و در نتیجه ایجاد رابطه منطقی و مبتنی بر محبت و رضایت بین مردم و دولت است و بدین ترتیب، امنیت اجتماعی در جامعه‌ای معنا پیدا می‌کند که بر نظام اجتماعی سازمان یافته استوار باشد. تحلیلگران اجتماعی تصریح می‌کنند که ریشه‌کنی عوامل مخل امنیت، برای تعمیق امنیت اجتماعی در جامعه و دوام نظام اجتماعی، نیازمند پذیرش درونی الگوها و تعهد اعضای جامعه به پایبندی به آنهاست (خبرگزاری

دانشجویان ایران، ۱۳۸۴/۶/۲۹، خبر شماره ۵۸۵۴۷۲.

۳- آسیب‌های اجتماعی

برای فهم امنیت اجتماعی نیاز به شناخت آسیب‌های اجتماعی است. آسیب‌های اجتماعی را می‌توان مطالعه خاستگاه اختلال‌ها، بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی تعریف کرد. در واقع آسیب‌شناسی اجتماعی، مطالعه ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی (نظیر اعتیاد، طلاق، خودکشی، روسپیکری، بیکاری، ولگردی، رشوه‌خواری، زورگیری، گدایی و...) به همراه علل و شیوه‌های پیشگیری و درمان آنها، به انضمام مطالعه شرایط بیمار گونه و نابسامان اجتماعی است. منظور از شرایط بیمار گونه اجتماعی، افزایش بی‌رویه ناهنجاری‌ها و کژرفتاری‌ها در جامعه است. جامعه‌شناسان ریشه بسیاری از آنها را خود جامعه می‌دانند. وقتی خواسته‌های فرد با انتظارات جامعه هماهنگ نباشد، نابهنجاری آغاز می‌شود و در صورت تداوم زمینه کجروی را پدید می‌آورد. به‌عنوان مثال، در جامعه ما فشار زندگی اجتماعی، تشدید مهاجرت‌های بی‌رویه، به هم خوردن نسبت تراکم جمعیت بین شهرها و روستاها، جوانی جمعیت، گرانی، بیکاری و... همه دست به دست هم داده و موجبات سرپیچی برخی از مردم را از هنجارهای اجتماعی فراهم کرده است (ستوده، ۱۳۸۲، ص ۸۶).

آسیب‌های اجتماعی، جلوه‌های جزئی و فرعی تهدیدات هستند که در بالاترین حد، سلامت اخلاقی و نظم و امنیت عمومی جامعه را خدشه‌دار می‌کنند (حق‌پناه، ۱۳۷۷، ص ۱۵۱).

از سوی دیگر، امنیت اجتماعی، برگرفته از نظم در اجتماع و به معنای آرامش و انتظام است؛ یعنی تبعیت تمامی اعضای یک جامعه از هنجارها، ارزش‌ها و قوانینی است که اساس قوام جامعه را تشکیل می‌دهند (نویدینیا، ۱۳۸۲، ص ۱۰).

۴- امنیت ملی

مفهوم امنیت ملی از جمله مفاهیمی است که تعاریف گوناگون از آن شده است: «امنیت ملی شرایط و فضای (ملی - فراملی) را در بر دارد که یک ملت در چارچوب آن می‌تواند

اهداف و ارزش‌های حیاتی مورد نظر خویش را در سطح ملی و بین‌المللی گسترش دهد و یا دست کم در برابر تهدیدات بالقوه و بالفعل داخلی و خارجی، آن را حفظ کند.»
 حال این تهدیدات چه از ناحیه داخل کشور و یا خارج از کشور باشند، به هر حال امنیت هم در سطح داخلی و هم در سطح خارجی به استقرار شرایطی نظر دارد که حاکمیت و قلمرو دولت از سوی نیروهای داخل و خارج کشور تهدید نشوند (ره‌پیک، ۱۳۷۷، ص ۱۳۰).

تهدیدات امنیت ملی را می‌توان تهدیدهایی دانست که اهداف و ارزش‌های حیاتی یک کشور را به گونه‌ای را در معرض خطر قرار دهند و در نتیجه بیم آن می‌رود که در آن اهداف و ارزش‌ها تغییر ماهوی و اساسی صورت پذیرد (درویشی، ۱۳۷۴، ص ۱۴۴).
 چون امنیت ملی مفهومی همه‌جانبه است و ابعاد گوناگون امنیت یک کشور را در بر می‌گیرد، تهدیدات امنیت ملی نیز می‌تواند ماهیت‌های گوناگونی را دارا باشد. بر خلاف گذشته که گرایش کلی ادبیات ملی برماهیت و بعد نظامی تهدیدات علیه امنیت ملی بوده، امروزه تهدیدات غیرنظامی، اهمیت ویژه‌ای در مسائل مربوط به امنیت ملی یافته است.

۵- مفهوم تهدید

به آن دسته خطرات بالفعل و بالقوه‌ای اطلاق می‌شود که ارزش‌های حیاتی یک کشور از جمله تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت ملی، نظام حاکم و نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، ایدئولوژی، فرهنگ و افتخارات ملی را به خطر اندازد. تهدیدات می‌تواند به درون مرزی، برون مرزی و تهدیداتی که مرز مشخصی ندارند تقسیم شود (چگینی، ۱۳۷۳، ص ۱۴).

۶- محیط ملی

به مجموعه محیط‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نظامی یک کشور که اجزای جدا نشدنی از یکدیگر و تأثیرگذار و مرتبط با هم بوده و بر مبنای سیاست‌های نظام حاکم اداره می‌شوند، محیط ملی گویند. محیط ملی متأثر از قدرت ملی است و هر اندازه قدرت ملی بیشتر باشد انسجام اجزای محیط ملی بیشتر است، به عبارت دیگر،

محیط ملی چارچوب سرزمینی دولت مدرن است که به افراد ساکن این حوزه جغرافیایی هویت خاص می‌دهد (علیخانی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۷).

۳- تبارشناسی امنیت اجتماعی

۳-۱ رابطه امنیت اجتماعی با هویت

امنیت اجتماعی از رویکردهای متأخر در مطالعه رابطه هویت و امنیت (به ویژه در اروپا) بوده است. آل ویور از جمله کسانی است که اشکال ناامنی اجتماعی در اروپا را مورد بحث قرار داده است. از نظر او و همکارانش، وجود ناامنی‌های قومی، ملی و مذهبی در مقایسه با صورت دیگر ناامنی مبتنی بر اقتدار ملی در اروپای معاصر، اهمیتی روزافزون یافته است (ویور، منبع شماره ۲۷).

اصطلاح امنیت اجتماعی را نخستین بار، باری بوزان به کاربرد و مسائل آن را شامل تهدیداتی دانست که هویت جامعه را مورد تعرض قرار می‌دهند (بوزان، ۱۳۷۸، ص ۳۴). بر این اساس مهم‌ترین مفروض رهیافت امنیت اجتماعی، این است که بقاء و دوام هر جامعه منوط به حفظ هویت آن جامعه است. این ویژگی به خصوص در اجتماعاتی که فاقد دولت هستند، بیشتر نمود می‌کند و در واکنش به تهدیداتی که متعرض هویت آنان است، اهمیت سیاسی و امنیتی بیشتری قائل می‌کند.

دقیق شدن در اندیشه نو واقع‌گرایی (نئورئالیسم) نشان می‌دهد که این اندیشه در گستره روابط بین‌الملل، بیشترین تمایز ممکن را به صورت قطعی میان فرآیندهای میان -دولتی (inter - atate) با سطح درون -دولتی (intera - state) قائل شده است.

علاوه بر داشتن این سطوح، نو واقع‌گرایان بر این باورند که در حوزه روابط بین‌الملل، روابط میان دولت‌ها دارای اهمیت واقعی است و روابط درون دولتی، صرفاً نقش جانبی خواهد داشت. اما شاید بیان این نکته کمی تعجب‌آور باشد که نو واقع‌گرایان نیز اخیراً توجه بیشتری به روابط گروه‌های قومی و هویت‌های ملی (خصوصاً درگیری‌های قومی) مبذول داشته‌اند (رز، منبع شماره ۳۴).

۲-۳- نظریه‌سازی تاریخی

بوزان برای اولین بار در کتاب مردم، دولت‌ها و هراس (۱۹۹۱) به امنیت اجتماعی توجه کرد. اما امنیت اجتماعی تنها یکی از ابعاد رویکرد پنج بعدی او به مقوله امنیت بود. در هر حال از نظر او تمام ابعاد از جمله امنیت اجتماعی، بخش‌هایی از امنیت دولت هستند و جامعه تنها یکی از بخش‌هایی است که دولت ممکن است در آن، مورد تهدید قرار گیرد. با این حال، برخی صاحب‌نظران از جمله ویور، معتقدند رویکرد پنج بعدی بوزان، امروزه در بافت امنیت اجتماعی غیرقابل قبول است. در نتیجه وی دست به مفهوم سازی جدید از فرضیه پیشین بوزان زده است.

مفهوم سازی ویور پنج بعدی نیست و تنها مشتمل بر دو بعد امنیت دولتی و امنیت اجتماعی است. از این منظر در حالی که امنیت ملی، درگیر و دل مشغول تهدیداتی است که متعرض اقتدار دولت می‌شوند؛ امنیت اجتماعی نگران تهدیداتی است که هویت جامعه را مورد تعرض قرار می‌دهند. اگر جامعه‌ای هویت خود را از دست دهد دیگر دوامی نخواهد داشت. بنابراین، گرچه دولت محل و مرجع امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی است، اما اجتماع نیز در حد خود، مرجع امنیت اجتماعی به شمار می‌رود (ویور، منبع شماره ۳۳).

بوزان بر این باور است که اجتماعات برای مقوله هویت، اهمیت زیادی قائلند. وی چنین استدلال می‌کند که مقوله کلیدی «اجتماع» عبارت است از آن دسته از عقاید و اعمالی که افراد را به عنوان اعضای آن جامعه خاص معرفی می‌کنند و باز می‌شناسانند. اجتماع، درگیر هویت است و درگیر خودباوری گروه‌ها و افرادی که خود را اعضای آن می‌دانند (بوزان، ۱۳۷۸، ص ۱۴۷).

با توجه به آنچه گفته شد، امنیت اجتماعی در نظام بین‌الملل مرتبط است با قدرتی که جامعه را قادر می‌سازد تا تحت شرایط متغیر و تهدیدهای احتمالی و یا حتی واقعی، باقی بماند. به صورت اخص، این مقوله با تداوم حیات جامعه تحت شرایط متعارف تغییرات و تحولات الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، معاشرت، آداب دینی و ملی در ارتباط است.

تهدیداتی که امنیت اجتماعی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند ممکن است زمانی روی

دهند که جوامع به این نتیجه برسند که در شرایطی خاص، هویت آنان مورد تعرض و خطر جدی قرار گرفته است. عواملی که می‌توانند هویت یک جامعه را تهدید کنند ممکن است از سرکوب آزادی بیان تا مداخله در قابلیت‌های آن برای ابراز، تنوع داشته باشند. به باور بوزان، این عوامل ممکن است شامل ممنوعیت به کارگیری زبان، نام‌ها و لباس‌ها از طریق بستن اماکن آموزشی و دینی یا تبعید و کشتار اعضای یک اجتماع باشد. ممکن است تهدیداتی که متعرض بازشناسی یک جامعه می‌شوند از طریق به‌کارگیری و استفاده مداوم اقدامات سرکوبگرانه بر ضد بیان و ابراز هویت صورت گیرند. اگر از فعالیت مؤسساتی که زبان و فرهنگ تولید می‌کنند، جلوگیری به عمل آید، مؤلفه هویت نمی‌تواند از نسلی به نسل دیگر انتقال یابد؛ بنابراین، برخی از تهدیداتی که متعرض امنیت اجتماعی می‌شوند، ممکن است نظامی باشد (مانند کشتن اعضای جامعه، فتح قلمرو سرزمینی یک شکور و مانند آن) اما برخی دیگر نیز ممکن است غیرنظامی باشند (از قبیل محروم کردن جوامع از حقوق زبانی و آزادی‌های دینی و عبادات خود) (همان، ۱۴۷).

بنابراین، اگر با عینک نواضع‌گرایی و از زاویه امنیت اجتماعی به این مسئله بنگریم، خواهیم دید در شرایطی که بسیاری از جوامع و اجتماعات ممکن است نگران ناامنی‌های پیرامون خود مثلاً تمامیت ارضی و استقلال سیاسی خود باشند، حادثه‌ترین و مهم‌ترین نوع ناامنی‌ها، آن است که تداوم هویت آنها را تهدید کند.

۳-۳- تجربه تاریخی

امنیت اجتماعی به عنوان بخشی از امنیت ملی سه دوره اساسی را در بستر تاریخ سپری کرده است که عبارتند از:

دوره اول از ۱۷۰۰ تا ۱۹۷۵، دوره دوم از ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۰ و دوره سوم از ۱۹۹۰ تاکنون.

دوره اول با امضای قرارداد وستفالی و سپس طرح دیدگاه‌های ماکیاوول شروع شد. در این دوره، امنیت با قدرت نظامی مساوی انگاشته می‌شد و سرزمین وسیع‌تر، جمعیت بیشتر و ارتش قوی‌تر مترادف با امنیت بیشتر فرض می‌شد، اما به تدریج با

گسترش قدرت تخریب سلاح‌ها و تغییر ساختار دولت‌ها در اروپا، مفهوم امنیت فراتر از موفقیت جنگی شد. لیکن هنوز امنیت اجتماعی مورد توجه جدی قرار نگرفته بود و بیشتر ابعاد اقتصادی امنیت مورد توجه بود.

در دوره دوم، رشد اقتصادی و تجارب بین‌الملل و فناوری موجب تعریف مجدد امنیت شد و تا حدی به امنیت اجتماعی توجه نشان داده شد. در این دوره، با نگرش تجزیه‌ای به امنیت نگاه می‌شد؛ یعنی برتری در ابعاد نظامی، اقتصادی و سیاسی امنیت، یک طرف را قوی و طرف دیگر را ضعیف می‌کرد. در این دوره اندیشمندانی چون هانتینگتون و راپوپوت نظریات خود را با تمرکز بر منابع اولیه، فناوری و تولید ارائه کردند.

دوره سوم که مقارن عصر ارتباطات و انفجار اطلاعات بود، با درگیری‌های یوگسلاوی و کوزوو که مهم‌ترین دغدغه آن تغییر هویت اجتماعات مخالف بود، شروع شد. لذا توجه جدی‌تری نسبت به امنیت اجتماعی صورت گرفت. در عین حال، گسترش ارتباطات، هویت سایر جوامع را نیز به خطر انداخته و همین امر باعث شد تا توجه صاحب‌نظران امنیتی به امنیت اجتماعی افزایش یابد (عصاریان‌نژاد، ۱۳۸۳، ص ۱۷).

از نظر تاریخی نیز عنصر هویت در ایران را می‌توان به مقاطع ذیل تقسیم کرد:

- دوره باستان تا ورود اسلام؛

- از ورود اسلام تا آغاز صفویه؛

- از آغاز صفویه تا نهضت مشروطیت؛

- از نهضت مشروطیت تا انقلاب اسلامی؛

- از انقلاب اسلامی تا کنون.

مبنای دسته‌بندی فوق تغییری است که در هر مرحله در تعریف مؤلفه‌های هویت ایرانی صورت گرفته است؛ به طوری که در دوره اول عناصر اسطوره‌ای و دین باستانی و نظام سیاسی ایران، در دوره دوم اسلامیت، در دوره سوم تشیع، در دوره چهارم ورود اندیشه‌های غربی و در دوره پنجم بازگشت به اسلامیت، عنصر هویتی ایران بوده است.

۴- شاخص‌های امنیت اجتماعی

بسته به اینکه هدف مرجع امنیت چه باشد، شاخص‌ها نیز متفاوت می‌باشند. چنانچه هدف مرجع امنیت، دولت در نظر گرفته شود، تهدیدات نظامی به مثابه منبع اصلی ناامنی تلقی شده و آمادگی نظامی نیز به نخستین ابزار تحقق امنیت مبدل می‌شود؛ چرا که در این چارچوب آمادگی نظامی شرط حتمی برقراری امنیت است و شاخص‌های امنیت اجتماعی در این قالب کلاسه می‌شود. اما چنانکه هدف مرجع امنیت، جامعه در نظر گرفته شود، تهدیدات هویتی، منبع اساسی ناامنی بوده و پیوستگی و اتحاد میان اعضای جامعه نیز اولین ابزار تحقق امنیت خواهد بود. آنچه در ذیل به عنوان شاخص‌های امنیت اجتماعی مطرح می‌شود، مواردی هستند که هویت بارز جامعه را بیشتر از بقیه عناصر می‌نمایانند (نویدینیا، ۱۳۸۲، صص ۱۸-۸). در اینجا به بررسی دو سطح شاخص‌های تهدیدات امنیت اجتماعی یعنی تهدیدات کلان و خرد می‌پردازیم.

تهدیدات کلان

الف - حفظ زبان و ادبیات: زبان یک ملت، نظام معنایی یک جامعه است و ابزاری مهم برای حفظ، شکل‌گیری و انتقال هویت به شمار می‌آید (تنهایی، ۱۳۷۴، صص ۴۲۷ و ۴۳۵). از آنجا که به میزان حفظ زبان و تبعات آن، حفظ هویت جامعه امکان‌پذیر شده و امنیت اجتماعی تحقق می‌یابد و یا بالعکس، تعطل در رواج کامل و تام زبان و ادبیات مکتوب، فرآیند هویت‌یابی افراد جامعه را آسیب‌پذیر کرده و آنها را در معرض خطرات و تهدیدات جدی قرار می‌دهد، لذا در زمره شاخص‌های امنیت اجتماعی قرار می‌گیرد.

ب - لباس و نحوه پوشش: پوشاک به عنوان عنصر هویتی، بارزترین سمبل و سریع‌الانتقال‌ترین نشانه هویتی است که به سرعت و به راحتی، فکر، روح و اندیشه مصرف‌کننده را آشکار می‌سازد. لباس نماینده آرام و آسان فهم بیان همگونی‌های هویتی در جامعه است که می‌توان آن را به عنوان یکی از شاخص‌های امنیت که بیان بخشی از هویت جامعه را یکدک می‌کشد در نظر آورد (صارمی، ص ۷۷ و شیخانوندی، ۱۳۸۰).

ج - آگاهی از تاریخ و گذشته: شکل‌گیری احساسات عمیق و ریشه‌دار توده‌های

مردم و تثبیت انگاره‌های جمعی در یک جامعه، نیازمند جریان‌های دراز مدت تاریخی و خاطرات ساخته شده از رخدادها و حوادث مربوط به آن است؛ بنابراین، خودآگاهی تاریخی و علاقه و دلبستگی نسبت به تاریخ و تحولات گذشته هر جامعه، سازنده و شکل دهنده وضعیت هویتی جامعه خواهد بود. بدین ترتیب، آگاهی از حوادث و شخصیت‌های تاریخی و بازنگری آنان برای نسل حاضر از جمله شاخص‌های امنیت اجتماعی قلمداد می‌شود؛ چرا که هر قدر اعضای جامعه به میزان شناخت و معرفت از حیات اجتماعی گذشته بر هویت خویش آگاهی یابند، به راحتی تحت تأثیر انگاره‌های گوناگون که می‌تواند تهدیدی برای آنان تلقی شود، قرار نمی‌گیرند (فصلنامه مطالعات ملی).

د- عادات، سنن و فرهنگ‌های جاری: آیین‌ها، مناسک و برخی از آداب و رسوم، نشان دهنده سطحی از زندگی است که طی سالیان متمادی، ساخته و پرداخته شده و شکل گرفته‌اند (ورجاوند، ۱۳۷۵، شماره ۷۴ - ۷۳). این عادات فرهنگ‌های جاری در واقع بخش دیگری از هویت ما را پدیدار می‌کند؛ چرا که افراد را در یک سری اعمال و رفتارها که ریشه در گذشته دارد، پیوند زده و موجبات همبستگی آنان را فراهم می‌کند.

ه- اشاعه باورها و عقاید: یکی از شاخص‌های امنیت اجتماعی را می‌توان امکانات گروه‌ها برای بیان باورها و عقایدشان دانست، چرا که به میزانی که گروه‌ها می‌توانند مبانی نظری و فکری خود را مطرح کنند، به همین میزان می‌توانند به تقویت هویت خود پرداخته و با خطرات ناشی از فراموشی و سست شدن مبنای هویت جمعی مقابله کنند و بالعکس اگر قادر به ارائه نظارت عقلی و منطقی خویش نباشند، به تدریج در جامعه به دست فراموشی سپرده شده و هویت آنان در معرض نابودی قرار می‌گیرد و به این ترتیب امنیت اجتماعی آنان به مخاطره می‌افتد (کوئن، ۱۳۷۲، صص ۱۳۹ - ۱۲۹ و گیدنز، ۱۳۷۴، صص ۴۷۹ - ۴۷۲).

شاخص‌های پنج‌گانه عنوان شده، به طور مستقیم در تأمین امنیت جامعه نقش ایفا می‌کنند و به صورت پنهان، ریشه‌های هویت اجتماعات را از درون تحت تأثیر قرار می‌دهند.

تهدیدات خرد

با توجه به تعریف آورده شده از امنیت اجتماعی، حفاظت از امنیت، عوامل مختلفی دارد که عبارتند از: تأمین نیازهای فیزیولوژیک، ایجاد ارتباط جمعی، دادن هویت خاص به اعضا و حراست از بقای جامعه و ایجاد و حفاظت از همبستگی و انسجام اجتماعی. هرگاه اجتماع و نظام اجتماعی، کارکردهای فوق را از دست بدهد، کارکرد امنیت اجتماعی مورد تهدید قرار می‌گیرد. با نظر به این رویکرد، تهدیدی را تحت عنوان شاخص‌های تهدیدات خرد امنیت اجتماع در محورهای ذیل مورد مطالعه قرار می‌دهیم:

الف - افزایش جمعیت و رشد جامعه بشری: پدیدار شدن کلان شهرهای انبوهی که استقرار کلیه امکانات و وسایل رفاهی در آنان قرار گرفته باشد و مرکز نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور باشد، سکنی‌گزینی غیر متعارف را به وجود می‌آورد که نتیجه آن، ورود سیل آسای افراد جویای شغل (نجاتیان، ۱۳۷۴، صص ۲۲-۲۰) نقش اجتماعی، جایگاه و... است. این امر تهدید کننده امنیت اجتماعی، به هم ریختن ثبات اجتماعی مناطق و ناهمگون شدن جمعیت در مناطق مختلف می‌شود. (عطارزاده، صص ۷۴-۶۶ و سلطانی، ۱۳۷۴، ص ۱۲۰).

ب - ذره‌ای و اتمی شدن افراد جامعه: افزایش جمعیت، گمنامی را در کلان شهرها رقم زده و نتیجه آن ذره‌ای و اتمی شدن جمعیت است. رویکرد تهدیدزای این امر از بین رفتن و یا نبود ترس افراد از نشاخته شدن است که گسترش مفاسد، جرایم و فعالیت‌های مپنی را ایجاد می‌کند (رفیع‌پور، ۱۳۷۷، صص ۵۷-۵۹ و کلاهیچیان، ۱۳۸۲).

ج - شکاف طبقاتی: بالا رفتن سطح توقعات و عدم انطباق آن با امکانات جامعه که نتیجه‌اش نابرابری اجتماعی است (بوزان، ۱۹۹۹)، درعمل با تعریف امنیت اجتماعی که هدفش زندگی اعضای یک جامعه (با رعایت عدالت) است، مغایرت داشته و در سه حوزه رسمی (شغل، تحصیلات و درآمد) قابل اندازه‌گیری است. (رفیع‌پور، ۱۳۷۷، صص ۱۹۳ - ۱۸۳).

د - حاشیه نشینی: گسترش شهرها از کمر بند آنها شروع می‌شود که در برگیرنده افراد مهاجر، بیکار و دارای فرهنگ‌های مختلف است که درصدد دستیابی به امتیازات مرکز می‌باشند. افراد این حوزه به دلیل دارا بودن فرهنگ‌های متفاوت، پایبندی به

فرهنگ خود را از دست داده و عملاً در پی فرهنگ‌گزینی هستند، نه فرهنگ‌پذیری. این افراد پذیرش و گزینش فرهنگ را با منافع مادی خود رقم می‌زنند و بدین دلیل در رویکرد به هنجارها، دید پارادوکسیکال نسبت به مرکز داشته و فضای گفتمانی و عملی آنان فضایی حاشیه‌گونه است که عملاً این فضا در خدمت تهدیدات امنیت اجتماعی، مفسد و نظایر اینها در می‌آید.

۵ - یادگیری پنهان و در نتیجه ضعیف شدن امنیت اجتماعی: سرعت، شتاب و توسعه ارتباطات که نتیجه آن یادگیری پنهان، ضعف کنترل‌های اجتماعی و ورود امواج و فرهنگ‌های ناهمگون بدون اجازه به حریم خانه‌های شخصی و اذهان افراد است، در نهایت به ضعیف شدن امنیت اجتماعی منجر می‌شود که در سطح یکی از شاخص‌های تهدیدزای امنیت اجتماعی است.

شاخص‌های پنج‌گانه عنوان شده به صورت مستقیم در تأمین اجتماعی نقش ایفا می‌کنند و هویت اجتماعات را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. این شاخص‌ها در جنبه عینی فعالیت داشته و نوع رابطه آنان تعامل چندگانه مستقیم است. بدین صورت که با بالا رفتن سطح توقعات و عدم انطباق آن با امکانات جامعه (شکاف طبقاتی)، معضل مهاجرت و حاشیه‌نشینی در دو سطح متوسط و پایین اجتماعی صورت می‌پذیرد که این دو سطح (حضور در مرکز و پیرامون) افزایش جمعیت و رشد جامعه شهری و در نتیجه ایجاد کلان شهرها را به بار می‌آورد.

این دوسری شاخص (کلان - خرد) در جنبه تهدیدزایی خود، اصول و مبانی امنیت اجتماعی را دچار خدشه می‌سازند (نویدنیا، ۱۳۸۲، صص ۱۴۸ - ۱۴۵).

۶ - مشکلات امنیت اجتماعی در محیط ملی

مشکلات امنیت اجتماعی را می‌توان در چهار مقوله ذیل بررسی کرد:

الف - مشکلات سیاستگذاری

عدم دکترین امنیت داخلی، تفاوت مکتب مسئولان سیاسی برای تأمین امنیت با مکتب مجریان، به طوری که طرح‌ها، دستورالعمل‌ها و تجهیزات به‌کارگیری شده در دستگاه‌های ذی‌ربط برای یک نوع رفتار است؛ در حالی که انتظار مسئولان سیاسی از

نوع عملکرد این دستگاه‌ها به گونه دیگری است که نتیجه طبیعی چنین تضادی پیدا شدن حوادثی همچون کوی دانشگاه تهران است که این ضعف در بی‌ثبات جلوه دادن امنیت کشور تأثیر زیادی داشت (سیف‌اللهی، ۱۳۷۹).

یا مثلاً اگر سیاست‌های اقتصادی و به ویژه در بخش مسکن منجر به افزایش مناطق حاشیه‌نشین شود. و این مناطق به دلیل ویژگی‌های خاصی همچون جرم خیزی، در برنامه‌ریزی‌های شهری نادیده گرفته شوند، تلاش برای تحقق امنیت اجتماعی چندان تأثیری نخواهد داشت (خبرگزاری دانشجویان ایران، ۱۳۸۴/۶/۲۹، شماره ۱۲۶۸۴ - ۸۴۰۶).

ب - مشکلات ساختاری

ساختار امنیتی را می‌توان در دو بخش مراجع تصمیم‌گیری و ارگان‌های اجرایی مورد بحث قرار داد (سیف‌اللهی، ۱۳۷۹)

به عنوان نمونه ساختار پلیس کشور در کنترل اجتماعی نیز که عمدتاً پلیس را قادر بر اجرای درست هنجارها، قواعد و قوانین اجتماعی می‌سازد، ضروری است؛ هر چند که بدون نظم اجتماعی پایدار، عملیات پلیسی مبتنی بر تنبیه و ترس قادر به هم‌نوایی بلند مدت با جامعه نخواهد بود (خبرگزاری دانشجویان ایران، ۱۳۸۴/۶/۲۹، شماره خبر ۱۲۶۸۴ - ۸۴۰۶).

شکل‌گیری ساختارهای امنیتی کشور هم نقش بسزایی در امنیت اجتماعی دارد؛ به عنوان مثال، ساختار امنیتی کشور دولتی باشد یا خصوصی؟ نقش تشکل‌های غیردولتی در ساختار امنیت به چه اندازه است و آیا ساختارهای امنیتی موجود (شورای عالی امنیت ملی، وزارت اطلاعات و...) پاسخگوی تهدیدات امنیت اجتماعی می‌باشند یا خیر؟ که پاسخ مثبت یا منفی به این پرسش‌ها می‌تواند تبیین‌کننده کارایی ساختارهای موجود باشد.

پ - مشکلات رفتار مدیریتی

حتی اگر فرض کنیم سیاست‌های واحد امنیتی تبیین و ابلاغ شده و مشکلات ساختاری

نیز با تبیین دقیق حدود و وظایف برطرف شده است، تا زمانی که رفتار مدیران امنیتی روش‌مند و هماهنگ نشده باشد، نمی‌توان به توفیق طرح‌ها و برنامه‌های امنیت اجتماعی امید بست (سیف‌اللهی، ۱۳۷۹، ص ۱۷).

ت - ضعف مبانی علمی

چنانچه مراکز آموزشی و پژوهشی که در مقوله امنیت اجتماعی دارای مسئولیت و وظیفه می‌باشند، همگی وابسته به ارگان‌های دولتی و اجرایی باشند و جهت‌گیری‌های آموزشی و پژوهشی آنها عمدتاً و شاید صرفاً در راستای اهداف سازمان‌های مزبور تعریف شده باشد، نتایج پژوهش‌های این مراکز قابلیت تصمیم‌سازی در سطح کلان را ندارد و از طرف دیگر، دستاوردهای علمی کشورهای غربی به دلیل تفاوت‌های ماهوی در ارزش‌ها، نگرش‌ها و محدودیت‌های ما به صورت مطلق قابل استفاده در کشور نیست و دستاوردهای مزبور باید در کشور بومی و نهادینه شوند (همان، ص ۲۲).

رویکرد جمهوری اسلامی ایران به امنیت اجتماعی

به نظر می‌رسد تعریفی که در جمهوری اسلامی ایران از امنیت شده، به گونه‌ای است که برتری حوزه سیاسی را پذیرفته و عمدتاً رهیافت دولت محوری را در تعریف موضوعات امنیتی اتخاذ کرده است. این تعریف به دنبال دستیابی به دو هدف است. اولاً این تعریف نگهداری و حفظ ارتباط بنیادین میان مفهوم امنیت و مفهوم دولت را تأمین کرده و ثانیاً به اندازه کافی بر نقش نخبگان سیاسی در موضوعاتی که امنیت دولت را متأثر می‌سازند، تأکید دارد. از این‌رو، نخبگان سیاسی، در نهایت، مسئول چالش‌هایی هستند که برای دولت و امنیت حکومت پیش می‌آید. اگر نخبگان سیاسی موضوعی را مورد توجه قرار دهند که امنیت دولت یا حکومت را تحت تأثیر قرار دهد، آن گاه موضوع در حیطه موضوعات امنیتی قرار خواهد گرفت. زیرا دغدغه خاطر نخبگانی که به سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌های داخلی و خارجی می‌پردازند، هم امنیت حکومت و هم امنیت دولت است و این دغدغه‌ها بیشتر به مسأله امنیت داخلی بر می‌گردند.

همان طوری که گفته شد توجه به امنیت اجتماعی موجب می‌شود اجتماع به جای

دولت مرجع امنیت قرار گیرد. این تحول به قدری مهم است که هنوز در بسیاری از کشورها به طور کامل استقرار نیافته است؛ زیرا تحول در هدف مرجع امنیت، ماهیت تهدیدات و راه‌های تأمین امنیت را نیز متحول خواهد کرد؛ چرا که اگر دولت مرجع امنیت باشد، تهدیدات نظامی به مثابه منبع اصلی ناامنی تلقی شده و آمادگی نظامی نیز نخستین ابزار تأمین امنیت خواهد بود. اما اگر جامعه مرجع امنیت شناخته شود، آنگاه تهدیدات هویتی منبع اصلی ناامنی بوده و پیوستگی و انسجام و اتحاد اعضای جامعه نیز نخستین ابزار تحقق آن خواهد بود. لذا با تغییر ایده دولت به ایده جامعه به عنوان هدف و مرجع امنیت، نوع تهدیدات نیز از تهدیدات نظامی به تهدیدات هویتی تغییر خواهند یافت. چرا که تهدیدات جامعه تنها در قلمرو و هویت معنی می‌یابند.

۶/۱- تهدیدات امنیت اجتماعی در ایران

از آنجا که ماشین جنگی دشمنان جمهوری اسلامی ایران با توجه به وسعت، جمعیت و قدرت نظامی ایران، نمی‌تواند به آسانی و با تحمل هزینه اندک، جمهوری اسلامی ایران را از پای در آورد، لذا دشمنان کشور ما پیش از آنکه در اندیشه از پا در آوردن حکومت اسلامی از طریق نظامی باشند، در اندیشه مسخ هویتی مردم ایران هستند. هجمه فرهنگی که به جدیدترین سامانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی مجهز است، هویت مردم ایران را نشانه گرفته و از این نظر توجه به امنیت اجتماعی در ایران امری غیرقابل اجتناب است.

متأسفانه تاکنون در این زمینه به اندازه کافی کار نشده و جا دارد که برای شناخت ابزارها و شیوه‌های نفوذ دشمنان به این مقوله، توجه بیشتری به عمل آید. گروه‌های اجتماعی بر اساس مجموعه‌ای از باورها و عقاید سامان می‌گیرند و یکپارچگی اعضای جامعه تنها در سایه توافق درونی با اندیشه‌های گروه امکان می‌یابد. لذا یکی از ارکان حفظ هویت، اشاعه باورها و عقاید است و مهم‌ترین تهدید آنها نیز محدود کردن این عمل و انجام اقدامات مخاصمه‌آمیز است. برای تغییر باورها و عقاید یا (خالی کردن آنان از محتوی) که به منظور تعویض هویت و فرهنگ جامعه صورت می‌گیرد و این درست همان تهدیدی است که امروزه کشور ما با آن مواجه است.

۶/۲ - ارائه نظریه امنیت اجتماعی منطبق با شرایط جمهوری اسلامی ایران
 جوامع نیز همانند دولت‌ها می‌توانند از هویت خود دفاع کنند. اگر حس هویت یک جامعه وابسته و مبتنی بر تمامیت ارضی باشد، آنگاه ملی‌گرایی و احساسات ناسیونالیستی می‌تواند برای دفاع از این بعد به کار گرفته شود. اما استفاده از ملی‌گرایی برای حفظ هویت اجتماعی، نوعی درگیری و منازعه را به ذهن متبادر می‌کند که ممکن است بین دو جامعه رخ دهد. به بیان دیگر اولاً تمرکز بیش از حد بر ملی‌گرایی ممکن است معمای امنیت اجتماعی تولید کند (شبیبه اروپای نیمه اول قرن بیستم) و ثانیاً، معماهای امنیت ممکن است منازعه تولید نمایند. ثانیاً منازعات (غیرنظامی) ناشی از ملی‌گرایی ممکن است منجر به فروپاشی دولت‌های چند قومیتی شوند. (شبیبه فروپاشی دولت عثمانی و یوگسلاوی) که به نوبه خود، آنها نیز ممکن است معماهای امنیت نظامی مشابه رویکرد بوزان تولید کنند. با توجه به مطالب گفته شده، آن چه ما نیازمند تفکر درباره آن هستیم، عبارت است از شرایطی که در آن قابلیت‌های نظامی، وسیله‌ای نباشند که جوامع با استفاده از آنها سعی در دفاع از هویت خود کنند.

پیشنهاد این است که جوامع مورد تهدید، برای مقابله با تهدیدات به تقویت هویت اجتماعی خود بپردازند. در این زمینه استفاده از ابزارهای فرهنگی برای تقویت، انسجام و تمایز اجتماعی و نیز برای اطمینان از باز تولید مؤثر جامعه بسیار مفید خواهد بود. زیرا از فرهنگ فقط با به کارگیری ابزار فرهنگی می‌توان دفاع کرد و اگر هویت کسی تهدید شود، یعنی امنیت اجتماعی وی به خطر افتد، در پاسخ این تهدید باید به تقویت هویت‌های موجود پرداخت.

به نظر می‌رسد ایده دفاع از فرهنگ در بطن ملی‌گرایی فرهنگی نهفته است. ملی‌گرایی فرهنگی جنبشی از احیای اخلاقی است که در جستجوی راهی برای پیوند دوباره ابعاد مختلف ملت است و هدف از آن احیای اخلاقی جامعه سیاسی، یا به عبارت دیگر، خلق مجدد تمدن است. ملی‌گرایان فرهنگی، دل مشغول افزایش و ارتقای فرهنگ و تقویت هویت خود هستند. ملی‌گرایی فرهنگی، ممکن است نوعی احساس شدید تولید کرده و بر مشترکاتی از قبیل زبان، دین، ایدئولوژی و تاریخ تأکید کند. این فرآیند «خود هویت بخشی»، غالباً زمانی صورت می‌پذیرد که افراد جامعه تصور کنند هویت اجتماعی آنها

تضعیف شده یا در معرض تهدید است.

جریحه‌دار شدن غرور ملی می‌تواند به خیزش ملی‌گرایی و تقویت آن کمک کند. ملی‌گرایی واکنش‌های قابل تعمقی را در موقعیت‌های بحرانی یک ملت ایجاد می‌کند؛ زیرا اتصال به یک گذشته پر افتخار و با شکوه، می‌تواند آرامش، تسکین، غرور و سپهری محکم در برابر خطراتی که هویت جامعه را تهدید می‌کنند، ایجاد کند. بدین ترتیب، گسترش ملی‌گرایی به وسیله عقیده‌ای که در اعماق روح ملی وجود دارد و عبارت از رسیدن به فردایی طلایی است، سرعتی دو چندان خواهد گرفت.

اما باید توجه کرد که ملی‌گرایی ممکن است آثار دیگری نیز داشته باشد. گروه‌های اجتماعی مایلند هویت و بیداری ملی خود را با استفاده از اصطلاحات منفی و از طریق متمایز کردن خود از دیگران همسایگان تعریف کنند و این رویارویی با بیگانگان با دیگر صور زبانی، دینی و سامانه‌های سیاسی ممکن است مردم را از تعلقات و ارزش‌های مشترک و نیز دیگر اشتراکات با اجتماعات دیگر محروم کند.

هویت اجتماعی، غالباً در ابعاد متفاوتی از قبیل زبان، دین و تاریخ تعریف می‌شود؛ اما در هر مقطع زمانی فقط یکی و یا معدودی از این ابعاد ارزش‌های غالب هویتی هستند. به عنوان مثال، مذهب شیعه برای هویت ایرانی یک ارزش غالب است؛ زیرا ایرانی‌ها را از همسایه‌های سنی و حتی از همسایه‌های غیرفارس خود متمایز می‌کند. بنابراین، تقویت هویت خود، ممکن است مستلزم تضعیف هویت دیگران باشد. اساساً منطق هویت به گونه‌ای عمل می‌کند که همیشه وجود دیگری، به عنوان بخشی از فرآیند «خود هویت بخشی» نقش ایفا می‌کند. در این مورد ممکن است از ملی‌گرایی فرهنگی برای دفاع از هویت اجتماعی استفاده به عمل آید، اما در عین حال این امر می‌تواند منجر به شکل‌گیری اشکال دیگر ناامنی نیز شود.

نتیجه‌گیری

امنیت اجتماعی توانایی گروه‌ها برای حفظ ویژگی‌ها و خصوصیات اساسی خود، تعریف شد و به مخاطره افتادن هویت آنان، تهدیدی برای امنیت و بقای اجتماعی تلقی شد. بنابراین، هویت که یک امر انباشتی و تراکمی است و در فرآیند زمان، در اجتماع

تکوین یافته، مورد توجه اندیشمندان امنیتی در حوزه امنیت اجتماعی واقع شده است. امنیت اجتماعی دارای عناصر و شاخصه‌هایی است که از جمله آنها می‌توان به زبان و ادبیات، پوشش و لباس، برپایی آیین‌ها، مناسک و... اشاره کرد که از درون، اجتماعات را تحت تأثیر قرار می‌دهند. تهدید هر یک از این عناصر، امنیت اجتماعی را به چالش می‌کشد و در پاسخ به این سؤال که کدام یک از این عناصر مهم‌تر و کلیدی‌تر هستند؟ نمی‌توان هیچ یک از آنان را نسبت به دیگری در اولویت قرار داد؛ زیرا نقش هر یک از آنان از یک جامعه به جامعه دیگر و از یک زمان به زمان دیگر متفاوت است. لیکن آنچه را که می‌توان قاطعانه درباره آن اظهار نظر کرد، این است که هر عنصر که در هر مقطع زمانی از سوی دشمن مورد تهدید قرار گیرد، عنصر کلیدی تلقی می‌شود و باید در جهت حفظ آن کوشش به عمل آید. این عنصر برای جمهوری اسلامی ایران در مقطع کنونی، باورها و اعتقادات مردم است که از سوی دشمنان نشانه گرفته شده است. که برای مقابله با آن ایده ملی‌گرایی فرهنگی پیشنهاد می‌شود.

در نهایت ارتباط تحولات اقتصادی و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات - که موجب تسهیل کارکرد فرهنگ‌های مهاجم شده است - با امنیت اجتماعی، برای ما درک اهمیت خطرات معضلات اجتماعی، توجه مسئولان برنامه‌ریزی اقتصادی و فرهنگی را به ملاحظات اجتماعی و فرهنگی در طرح‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها ضروری می‌سازد.

بر همین اساس نگاه به مقوله امنیت اجتماعی قطعاً باید نگاهی همه جانبه و به ویژه پیشگیرانه باشد تا موجب دوام تضمین یافته نظام‌های اجتماعی شود.

منابع

- آرون، ریمون، (۱۳۷۰) مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران، جامعه و اقتصاد، ۱۳۷.
- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۴) بررسی تهدیدات، مباحث کلاسی، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- بوزان، باری، (۱۳۷۸) مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- تنهایی، ابوالحسن، (۱۳۷۴) درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، گناباد، انتشارات مرندیز.

- چگینی‌زاده، غلامعلی، (۱۳۷۹) رویکردی نظری به مفهوم امنیت ملی در جهان سوم، فصلنامه سیاست خارجی، سال چهاردهم.

- چگینی، عباس، (۱۳۷۳) اطلاعات استراتژیک، دانشکده علوم و فنون فارابی، تهران.

- خبرگزاری دانشجویان ایران، (۱۳۸۴) چگونه در جوامعی با ضریب امنیت بالا احساس ناامنی شکل می‌گیرد تهران.

<http://www.isna/۸۴/۸/۸۴۰۷-۰۸۵۲۰>

- خبرگزاری دانشجویان ایران، (۱۳۸۴) کالبد شکافی امنیت اجتماعی، تهران.

<http://www.ISNA/۸۴/۶/۲۹/۵۸۵۴۷۲>

- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸) آنومی یا آشفتگی اجتماعی: پژوهشی در زمینه آنومی در تهران، تهران، سروش.

- خلیلی، رضا، (۱۳۸۳) تحول تاریخی گفتمان مفهوم امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، سال هفتم، شماره اول.

- درویشی سه تلانی، (۱۳۷۴) تهدیدات امنیت ملی یک چارچوب نظری، مجله سیاست - دفاعی، پژوهشکده علوم دفاعی - استراتژیک دانشگاه امام حسین (ع)، شماره ۲۳.

- ره‌پیک، حسن، (۱۳۷۷) امنیت ملی و تحدید حقوقی آن، فصلنامه پژوهشکده مطالعات راهبردی، پیش شماره دوم.

- ستوده، هدایت‌الله، (۱۳۸۲) آسیب‌شناسی اجتماعی: تبیین‌ها و دیدگاه‌ها، فصلنامه علمی - کاربردی معاونت اجتماعی ناجا، پیش شماره دوم.

- ستوده، هدایت‌الله، (۱۳۷۳) درآمدی بر روانشناسی اجتماعی، آوای نور، تهران.

- سیف‌اللهی، رضا، (۱۳۷۹) جایگاه امنیت اجتماعی در امنیت ملی، مقالات همایش تغییر و تحولات فرهنگی اجتماعی و امنیت ملی، مرکز بررسی‌های استراتژیک، چاپ اول.

- شیخاوندی، داور، (۱۳۸۰) ناسیونالیسم و هویت ایرانی، تهران مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

- امین صارمی، نوذر، نگاهی به تاریخ پوشاک، کتاب ماه هنر، شماره ۱۸.

- عساریان‌نژاد، حسین، (۱۳۸۳) جویشی بر شناخت امنیت ملی، دانشکده امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران.
- عسگری، محمود، (۱۳۸۲) امنیت و امنیت پژوهی، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی شماره ۳۶ و دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سال دهم.
- عطازاده، مجتبی، (۱۳۷۸) پویش امنیتی رشد جمعیت در ایران، فصلنامه راهبردی شمارگان شماره ۵ و ۶.
- علیخانی، علی‌اکبر، (۱۳۷۳) هویت در ایران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی تهران.
- کوئن، بروس، (۱۳۷۲) مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران.
- کلمنتس، کوین، (۱۳۸۴) به سوی جامعه‌شناسی امنیت، ترجمه محمد علی، فصلنامه مطالعات راهبردی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره دوم.
- کلاهیجان، محمود، (۱۳۸۲) اپوزیسیون توده‌وار، تحلیلی بر بحران خرداد ۸۲ تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گیدنز، آنتومی، (۱۳۷۱) جامعه‌شناسی پیش درآمدی اقتصادی، ترجمه ابوطالب قنائی، شیراز، دانشگاه شیراز.
- ماندل، رابرت، (۱۳۷۹) چهره متغیر امنیت ملی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- مک‌کین‌لای، آردی/ لیتل، آر، (۱۳۸۰) امنیت جهانی: رویکرد و نظریه‌ها، ترجمه اصغر افتخاری، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- نویدنیا، منیژه، (۱۳۸۲) امنیت و تعاملات اجتماعی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲) شاخص‌های امنیت اجتماعی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- نویدنیا، منیژه، (۱۳۸۲) امنیت اجتماعی روایتی جامع‌گزارش پژوهشی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نجاتیان، حسین، (۱۳۷۴) انفجار جمعیت دشواری تحصیل و افزایش بیکاری، گزارش، سال پنجم، شماره ۵۳.

- ورجاوند، پرویز، (۱۳۷۵) آیین‌های ملی عامل حفظ وحدت ملی، گزارش، سال هفتم، شماره‌گان ۷۴ - ۷۳.

www.ciaonet.org/wps/bubos.htsl. - waever,ile,"Liberalism and Security."

www.ciaonet.org/wps/ropo. - ropo,paul,"The societal security Dilemma"

- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۴) جزوه درس شناخت تهدیدات امنیت، مباحث دوره دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی